

# نقش روان‌شناسی در ارتقای کیفیت آموزش

پدیده کورثی

کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی

## اشاره

مقاله حاضر، به طور گذرا نقش و کاربرد روان‌شناسی را در بهبود کیفیت آموزش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بازکاوی می‌کند. در حالی که سالهاست که نظام‌های آموزشی - به ویژه در کشورهای صنعتی - از روان‌شناسی به مثابه یک فن‌آوری اثربخش در آموزش استفاده می‌کنند، ولی، هنوز کاربرد روان‌شناسی در این ابعاد مورد توجه کافی ما قرار نگرفته است. در حقیقت ناکارآمدی نظام آموزشی سنتی تا حد زیادی به ناآشنایی با اصول و آموزه‌های روان‌شناختی در این حوزه مربوط می‌شود. این مقاله، نقش و کاربرد روان‌شناسی را در بهبود کیفیت آموزش در زمینه‌های زیر معرفی کرده است:

۱. پیش‌نیازهای روان‌شناختی ۲. برنامه‌ریزی درسی ۳. ارتقای اثربخشی در فرایند تدریس ۴. آشنایی با اصول کلاس‌داری ۵. آشنایی با راهبردهای یادگیری و یادسپاری ۶. شرایط فیزیکی و روانی کلاس ۷. ارزشیابی عملی و روشمند.

کلید واژه‌ها: روان‌شناسی، پیش‌نیازهای روان‌شناختی آموزش، ارتقای کیفیت آموزش، کلاس‌داری، ارزشیابی علمی.

## مقدمه

روان‌شناسی یکی از کارآمدترین دانش‌های بشری است که شاخه‌های مختلف آن، همه عرصه‌ها را در بر گرفته و همه افراد به آن نیازمندند. بخشی از مطالعات و تحقیقات روان‌شناسی به موضوع «آموزش» و «فرایند یاددهی - یادگیری» اختصاص دارد. امروزه

بهره‌گیری از یافته‌های روان‌شناسی، رشد چشمگیری پیدا کرده و از جمله، عرصه‌های آموزشی را نیز در بر گرفته است. مطالعات محققان در این زمینه حاکی از آن است که در دو دهه پایانی قرن بیستم، تلاش‌های بسیاری در دانشگاه‌ها و مراکز علمی بزرگ، برای بهبود کیفیت آموزش، انجام شده است که جهت‌گیری‌های عمده در آنها برمبنای اصلاح ساختار آموزش سنتی و بهره‌گیری از یافته‌ها و اصول روان‌شناختی بوده است.<sup>۱</sup>

در حال حاضر، از میان حوزه‌های گوناگون دانش بشری، بروز و ظهور نظریه‌های روان‌شناختی و کاربرد آنها در عرصه‌های تعلیم و تربیت، به ویژه فعالیت‌های یاددهی، یادگیری، نظر متفکران و متخصصان این قلمرو را به خود معطوف کرده است. با وجود نقش مهم روان‌شناسی در بهبود کیفیت آموزش، این مهم هنوز در نظام آموزشی ما ناشناخته باقی مانده و کمتر به آن بها داده می‌شود.

در بیشتر موارد، ناکارآمدی نظام آموزشی و ناموفق بودن برنامه‌های درسی و الگوهای تدریس، به دلیل نامناسب بودن محتوای آن نیست. بلکه چگونگی تنظیم، نحوه ارائه و شیوه‌های ارزش‌یابی آن است که یادگیری را مشکل می‌کند یا نتیجه کمتر از انتظار به بار می‌آورد. هدف کلی مقاله حاضر آن است که نقش و کاربرد روان‌شناسی را در بهبود و ارتقای کیفیت آموزش بیان کند، و توجه مدیران ارشد، اساتید و دانش‌پژوهان را به این مهم جلب نماید.

### پیش‌نیازهای روان‌شناختی و تربیتی آموزش

هر فعالیت و تغییر در انسان نیاز به پیش‌زمینه‌ها و پیش‌نیازهایی دارد و از این رو شرط موفقیت یک الگوی آموزشی توجه کافی به پیش‌نیازهای مربوطه است. لذا پیش‌نیازهای روان‌شناختی و تربیتی آموزش عبارتند از:

#### الف. آشنایی با روان‌شناسی مخاطبان

مخاطب اصلی آموزش و تدریس معمولاً گروه جوانان و نوجوانان هستند، جوان کیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟ مخاطب‌شناسی یکی از مهم‌ترین مسائلی است که در آموزش و تدریس باید به آن توجه نمود. اگر یک سخنران مخاطبان خود را نشناسد و نداند آنها در چه دوره‌ای از تحول‌شناختی، انگیزشی و توانشی هستند، معلوم نیست مطالب او هر قدر هم ارزشمند،

دقیق و علمی باشند، مؤثر واقع گردد؛ زیرا یا سخنان او در سطح شناختی مخاطب نیستند و یا تناسبی با نیازهای او ندارند. در نتیجه، مخاطب انگیزه‌ای برای گوش دادن و فراگیری آنها ندارد، چنان که یک مربی و معلم اگر از دانش پژوهان خودش هیچ اطلاعاتی نداشته باشد، تدریس مؤثر واقع نخواهد شد. بدین روی شناخت روان‌شناسی مخاطبان یک پیش‌نیاز اساسی به شمار می‌رود.

جوان شخصیتی است که فضای روانی‌اش شهر آرزوها و درمان‌ها است. جوان شهروند شهرک آرزوها است. مسلط‌ترین گرایش در بخش گرایش‌های نوجوان و جوان عبارتند از: آینده‌نگری، درون‌نگری و حتی آرمان‌گرایی. اولین درجه‌ارتباط صحیح آموزشی و تربیتی زمانی گشوده می‌شود که مربی مطمئن باشد مربی، او و ظرفیت‌های وجودی و شخصیتی او را - چنان که هست - شناخته است.

### ب. آشنایی با مهارت‌های ارتباطی

آموزش و تدریس بدون ارتباط با مخاطب امکان‌پذیر نیست، بنابراین، کسی که می‌خواهد به کار تدریس مبادرت نماید، خواه از طریق مستقیم یا غیر مستقیم باید با مربی و متعلم و مخاطب خود ارتباط مؤثر برقرار کند و بدون ارتباط با او امکان تأثیرگذاری و آموزش وجود ندارد.

از یک منظر گرچه تمام کارهای ما نوعی ارتباطند و تمام لحظات زندگی ما آکنده از پیامهای شفاهی و غیر شفاهی، ارادی و غیر ارادی‌اند، اما تأثیر ارتباط در امر آموزش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

برای «ارتباط» تعاریف متعددی ارائه شده که قدیمی‌ترین آن‌ها تعریفی است که ارسطو در ۲۳۰۰ سال پیش برای اولین بار ارائه داده است؛ او در کتاب مطالعه معانی بیان (ریطوریکا)، که معمولاً آن را مترادف «ارتباط» می‌دانند، در تعریف این واژه آورده است: «ارتباط عبارت است از: جست و جو برای دست‌یافتن به کلیه وسایل و امکانات موجود برای «ترغیب» و «اقناع» دیگران». تئودور نیوکامپ (۱۹۵۰)، (Theodor Newcomp) در کتاب روان‌شناسی اجتماعی، «پذیرش تأثیر» را مهم‌ترین مسئله ارتباط دانسته است؛ او می‌گوید: «هرگاه شخصی تأثیری بپذیرد که دیگری در مورد او اراده کرده است، دومی با اولی ارتباط برقرار نموده

است...»<sup>۲</sup>

از بررسی واژه‌شناسی «ارتباط» در فرهنگ‌های گوناگون و همچنین بیان تعاریفی که مؤمنان کرده‌اند، استفاده می‌شود که «اعتماد» و «اشتراک» در شکل‌گیری ارتباط میان انسان‌ها نقش اساسی دارند و اگر این دو اصل نباشند، هدف از برقراری ارتباط، که ترغیب و اقناع و پذیرش تأثیر از یکدیگر است، محقق نمی‌شود. در هر حال، ارتباط میان انسانها، اعم از کلامی و غیر کلامی، یکی از وسایل اولیه‌ای است که انسان‌ها برای استفاده، کنترل، تأثیرگذاری و درک محیط خود، از آن استفاده می‌کنند و نقش مهمی در زندگی آنها دارد. اما مهم‌تر از آن، الگوهای هستند که برای ایجاد ارتباط با دیگران مورد استفاده قرار می‌گیرند. بنابراین، مربی، معلّم و مبلغ که می‌خواهد مطالبی به مخاطب یا مخاطبان خود آموزش و انتقال دهد، در مرحلهٔ اول باید اعتماد آنها را به خود جلب کند، وگرنه ارتباط، به ویژه ارتباط عاطفی، که لازمهٔ ارسال و انتقال موفقیت‌آمیز پیام است، حاصل نمی‌شود.

در راستای ارتباط‌شناسی موفق، همچنین لحن سخن گفتن و هنر گوش دادن به سخن مخاطب بسیار اهمیت دارند. برای آن که لحن بیان مؤثر واقع شود، باید به زیر و بم صدا، تکیهٔ کلام، سرعت کلمات و بلندی آنها توجه شود. کلمات با آهنگی مؤثر، طنین دار و گیرا ادا شوند، برای این که از نقاط ضعف و قوت خود آگاه شوید، باید به واکنش افراد در مقابل لحن کلام خود توجه کنید. پس از اتخاذ شیوهٔ مناسب کلام، آن قدر تمرین کنید که به آن خو بگیرید و با آن سبک احساس راحتی بکنید.<sup>۳</sup>

همچنین خوب گوش دادن به سخنان و سؤالات مخاطبان نقش مهمی در ایجاد ارتباط دارد. طرز لباس پوشیدن، حرکات بدن، به ویژه دست‌ها و سر، طرز نگاه کردن به مخاطبان، حالات چهره و سر تکان دادن‌ها در ایجاد ارتباط با مخاطب نقش دارند.

### ج. آشنایی با الگوهای آموزش دینی

به طور کلی، در آموزش آموزه‌های دینی به چهار الگو می‌توان اشاره کرد، گرچه الگوهای دیگری نیز ممکن است مورد استفاده قرار گیرند، ولی این چهار الگو، یعنی الگوی تبلیغ، تدریس، تربیت و مشاوره بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرند.<sup>۴</sup> الگوی اثربخش، حداقل باید دارای سه عنصر عاطفی، شناختی و انگیزشی باشد:

۱. عنصر عاطفی: برای اینکه فضای عاطفی به وجود بیاید، مربی باید از چهار راهکار استفاده کند: به عبارت دیگر، ایجاد فضای عاطفی مبتنی بر چهار ویژگی است: همدلی؛<sup>۵</sup> توجه مثبت بدون شرط،<sup>۶</sup> صداقت،<sup>۷</sup> و گوش دادن فعال.<sup>۸</sup>

۲. عنصر انگیزشی: انگیزش به عوامل موجود، در یک فرد (مانند نیازها، امیال و علایق) اشاره دارد که رفتار را در جهت یک هدف فعال می‌سازند، نگهداری می‌کنند و سوق می‌دهند.<sup>۹</sup> نیازها، امیال و علایق، که زیربنای انگیزش در رفتار آدمی‌اند، شامل مجموعه نیازهای فیزیولوژی، معنوی و روان‌شناختی می‌شوند.

۳. عنصر شناختی: برای اینکه فرایند آموزش اثربخش قرار گیرد باید مربی وارد دنیای اندیشه‌ها و تفکرات مخاطبان شود. یعنی به سطوح تحول شناختی فراگیر توجه داشته باشد. عنصر شناختی به این مطلب اشاره دارد که مربی یا معلم باید مطالب خود را به صورت منطقی و منطبق با سطح تحول شناختی فراگیر تنظیم کند، یعنی مربی باید هم به میزان آگاهی و هم سطح توانشی و استعداد فراگیر توجه کند و پیام آموزشی را با توجه به دو نکته مزبور تنظیم کند تا برای فراگیر و دانش پژوه، هم جذاب باشد و هم قابل استفاده.

#### د. برقراری روابط تربیتی افقی و هم‌سطح<sup>۱۰</sup>

روابط تربیتی با نوجوان و یا جوان باید افقی، متقابل و همراه با درک احساسات و موقعیت مخاطب باشد، نه عمودی که حالت القا و تلقین پیدا می‌کند. برخوردهایی که از بالا به پایین صورت می‌گیرد و مربی می‌کوشد براساس فهم یا انتظارات خود با فراگیر رابطه برقرار کند، معمولاً برخوردهایی کلیشه‌ای و همراه با پیش‌داوری است و اثربخش نمی‌باشد. مربی در ارتباط خود با نوجوان و جوان نمی‌تواند ارتباط عمودی و از بالا به پایین داشته باشد، بلکه باید ارتباطی افقی، هم‌سطح و هم‌تراز، که حاصل تفاهم و درک طرفینی است، داشته باشد. از جمله راهکارهای ایجاد ارتباط افقی ایجاد فضای انس، دوستی و صمیمیت است.

#### روان‌شناسی و بهبود کیفیت آموزش

تعلیم و تربیت در نگرش دینی جایگاهی بس والا و مهم دارد. هدف عالی تعلیم و تربیت، نهادینه کردن فرهنگ اسلامی و تربیت و آماده‌سازی نیروهای ماهر و متخصص است. دسترسی به این مقصد عالی تنها به یمن نظام آموزشی کیفی و کارآمد امکان‌پذیر است. روش‌های آموزش سنتی جوابگوی نیازهای امروزی نیستند.

در فرایند آموزش، عوامل بسیاری دخالت دارند که اصلاح و بازنگری هر یک می‌تواند در بهبود کیفیت آن مؤثر باشد. از جمله این عوامل می‌توان برنامه‌ریزی درسی، فضای آموزشی،

روش‌های تدریس و ارزشیابی را نام برد. ارتقای کیفیت آموزش بدون ملاحظه اصول و آموزه‌های روان‌شناختی و استفاده از آنها در آموزش، امکان‌پذیر نیست. به طور کلی روان‌شناسی می‌تواند در همه ابعاد و مراحل آموزش مفید و راهگشا باشد. در ادامه، به طور مشخص، درباره برخی از کاربردهای روان‌شناسی در ارتقای کیفیت آموزش توضیح داده می‌شود.

### الف. بهبود کیفیت برنامه‌ریزی درسی

در بین مؤلفه‌های نظام آموزشی برنامه‌ریزی درسی جایگاه ویژه‌ای دارد. برنامه‌ریزی درسی در حقیقت نوعی راهبرد است که از طریق فراهم کردن امکانات و منابع به روش علمی و منظم، همسو با اهداف معینی تدوین می‌شود و هدف عمده آن، استفاده بهتر از امکانات موجود است.<sup>۱۱</sup>

فرایند برنامه‌ریزی درسی، همانند دیگر ابعاد آموزش، بر پایه رویکردها و دیدگاه‌های روان‌شناختی قرار دارد. یافته‌های روان‌شناختی در واقع اساس و بنیان عناصر اصلی برنامه‌ریزی درسی را تشکیل می‌دهند. بنابراین اهمیت و ضرورت استفاده از اصول روان‌شناختی در قلمرو برنامه‌ریزی درسی، کاملاً توجیه شده، و در تمام مراحل برنامه‌ریزی درسی، توجه به اصول روان‌شناختی ضروری است.

روان‌شناسان برای کارآمدی یک برنامه درسی، توجه به چند نکته را لازم و مفید می‌دانند:

۱. شناسایی نیازها و تدوین هدف‌ها: در تعیین هدف‌ها، شناخت نیازها و استفاده از دیدگاه‌ها و تجربیات صاحب‌نظران ضروری است.

۲. تعیین راهبرد: تعیین راهبرد، براساس هدف‌ها، امکانات، منابع و محدودیت‌ها صورت می‌گیرد و با توجه به هدف‌های مهم و راهبردها، تدابیر و راه‌های عملی مناسب در نظر گرفته می‌شود. اتخاذ یک راهبرد در برنامه‌ریزی درسی نمی‌تواند بدون توجه به اصول و آموزه‌های روان‌شناختی صورت گیرد؛ زیرا چنانچه در تعیین راهبرد به نیازهای فردی، اجتماعی، راهبردهای یادگیری و تفاوت‌های فردی توجه نشود، احتمال اجرای مؤثر برنامه، به نحو چشمگیری کاهش می‌یابد.

۳. تدوین برنامه درسی: تدوین برنامه در حقیقت بیان نحوه تحقق یافتن هدف‌ها است. هر نظام آموزشی باید برنامه مدون داشته باشد، و در برنامه‌اش کتاب‌های درسی، وسایل

و ابزارهای کمک آموزشی، فعالیت‌های مورد نیاز و مدت زمان انجام این برنامه‌ها مشخص شده باشد. برنامه‌های آموزشی با توجه به نیازها، شرایط و هدف‌های کلی سیستم تدوین می‌شود. در مرحله تدوین، باید محتوای کتاب‌های درسی، متناسب با نیازها و شرایط روز آماده و برگزیده شود. اطلاع از راهبردهایی که می‌تواند فرایند یاددهی - یادگیری را در فعالیت‌های تربیتی و آموزشی بهبود بخشد و توجه به کاربرد انواع نظریه‌های یادگیری، از مهم‌ترین مسائل و موضوعات در تدوین برنامه درسی است.<sup>۱۲</sup> روان‌شناسی تاکنون، کمک‌های بسیار ارزشمندی در زمینه برنامه‌ریزی درسی نموده و راهبردهایی را در اختیار متخصصان برنامه‌ریزی درسی قرار داده است. چنان‌که این یافته‌ها در دانشگاه‌ها و مراکز علمی معتبر، تحولات عمیق و همه‌جانبه‌ای را به همراه داشته است.

از میان راهبردهای مختلف در دهه‌های اخیر، رویکردی با عنوان «رشد فرایند شناختی»<sup>۱۳</sup> در برنامه درسی، توجه روان‌شناسان را به خود جلب کرده است. پیشینه این نظریه به یکی از مکتب‌های مشهور روان‌شناسی به نام «فری‌نولوژی»<sup>۱۴</sup> برمی‌گردد. این رویکرد، در قرن نوزدهم پدیدار شد و تحت تأثیر مطالعات و تحقیقات صاحب‌نظرانی مانند گال و اسپرزه‌ایم توسعه یافت. براساس این مطالعات، در مغز انسان یک سلسله ماهیچه‌های ذهنی<sup>۱۵</sup> وجود دارد که منشأ استعدادها و تواناییهای ذهنی در فرد است؛ بنابراین تعلیم و تربیت و برنامه‌های درسی باید زمینه‌های لازم برای رشد، پرورش و شکوفایی این ماهیچه‌های ذهنی، یعنی استعدادها و مهارت‌های شناخته شده ذهنی را در فرد فراهم آورد. در اثر پیشرفت علم فیزیولوژی و روان‌شناسی، کاربرد نظریه «رشد فرایند شناختی» در طی پژوهش‌های مختلف و به وسیله افراد متعدد، مورد تأیید قرار گرفت.<sup>۱۶</sup> تحقیقات و مطالعات گیلفورد،<sup>۱۷</sup> روان‌شناس مشهور معاصر، از جمله نظریه‌هایی است که زمینه‌های لازم را برای حمایت از رویکرد رشد فرایند شناختی، فراهم نمود. گیلفورد تحقیقات ارزشمندی در زمینه قوای ذهنی و توانایی‌های عقلی انسان انجام داده و الگویی را با عنوان ساختار ذهنی و عقلی در چارچوب نظریه رشد فرایند شناختی ارائه نموده است. البته به موازات توسعه رویکرد رشد فرایند شناختی، رویکردهای دیگری نیز مانند رویکردهای منطقی‌گرایی آکادمیک، ارتباط شخصی، تطابق اجتماعی و غیره، زمینه را برای رشد و توسعه یافته‌های روان‌شناختی در برنامه‌ریزی درسی فراهم نمود، ولی با این وجود رویکرد رشد

فرایند شناختی، به لحاظ تأکید به فرایندهای شناختی و پرورش مهارت‌های فکری در فراگیران، بیش از سایر رویکردها مورد توجه برنامه‌ریزان درسی قرار دارد.<sup>۱۸</sup>

در این رویکرد، حفظ معلومات و افزایش کمی اندوخته‌ها، فاقد ارزش علمی بوده و «آموزش» و «یادگیری» برخلاف آنچه معمولاً تصور می‌شود، یک فعالیت انفعالی نیست که ضمن آن، معلم و استاد به انتقال انبوهی از مفاهیم و اطلاعات علمی - که در بسیاری موارد، محصول تفکر علمای پیشین است - به فراگیران اقدام کند؛ بلکه برنامه‌های درسی به صورتی طراحي و اجرا می‌شوند که از طریق آنها، فراگیران با استفاده از مهارت‌ها یا استعداد‌های ذهنی و فکری خود بتوانند مسائل و موضوعات مورد نظر را شناسایی نموده، با هدایت و راهنمایی استاد به حل آن بپردازند.

برنامه‌های درسی مبتنی بر رشد فرایندهای شناختی، غالباً از نوع «برنامه‌های فرایندمحور و مسئله‌محور» هستند. رویکرد رشد فرایندهای شناختی، به تلفیق اطلاعات و ادراکات ذهنی فراگیران تأکید می‌کند و در پی یافتن موازنه منطقی میان آموزش‌های کلاسی و فعالیت‌های عملی است. این رویکرد، به یک پارچه‌سازی دانش از طریق به کارگیری آن در موقعیت‌های معنادار تأکید می‌کند و به نوآوری و خلاقیت‌های ذهنی و تولید دانش توسط فراگیران، اصرار می‌ورزد.<sup>۱۹</sup> با توجه به ویژگیهایی که بیان شد، فرایندهای شناختی به طور عام و فرایند رشد شناختی به طور خاص، در برنامه‌ریزی درسی می‌تواند اطلاعات لازم را به برنامه‌ریزان درسی ارائه نموده، موجبات بهبود کمی و کیفی آموزش را در نظام آموزشی فراهم سازد.

### ب. ارتقای اثربخشی در فرایند تدریس

روان‌شناسی، فنون خاصی در زمینه تدریس ارائه نموده است که برای بهبود اثربخشی آموزش می‌توان از آن استفاده کرد. روان‌شناسان تحقیقات گسترده‌ای در زمینه عوامل مؤثر در بهبود کیفیت تدریس انجام داده و با تعاریف سنتی تدریس که آن را انتقال معلومات می‌دانسته، مخالف‌اند.

یافته‌ها نشان می‌دهد که میان روش تدریس و یادگیری پایدار رابطه وجود دارد. یادگیری وقتی بیشتر و پایدارتر می‌شود که فراگیرنده به طور فعال در عمل یادگیری مشارکت کند.<sup>۲۰</sup> یکی از الگوهایی که می‌تواند در افزایش اثربخشی تدریس کارایی داشته باشد «یادگیری



فعال» است. این الگو تأثیر مشارکت فراگیران را منعکس می‌کند؛ زیرا بر رابطه بین روش تدریس و مشارکت فراگیران با پیشرفت تحصیلی تأکید می‌ورزد. منظور از یادگیری فعال، نوعی از یادگیری است که با کمترین دخالت عوامل خارجی صورت می‌گیرد؛ یادگیری اثربخشی که در آن، فراگیرنده به طور فعال در عمل یادگیری درگیر می‌شود و عمل یادگیری در کنترل خود او درمی‌آید. روش‌های تدریس فعال نیز با توجه به همین مفهوم، قابل تعریف است. روش‌هایی که به یادگیرنده و دادن آزادی عمل به او متمایل باشند و نقش عوامل خارجی (از قبیل استاد و کتاب درسی) را فقط تسهیل‌کننده شرایط یادگیری بدانند، در زمره روش‌های فعال قرار می‌گیرند. برعکس، روشهایی که کنترل یادگیری را در اختیار عوامل خارجی قرار می‌دهند و نقش غیر فعال برای یادگیرنده قائل می‌شوند، در زمره روش‌های منفعل قرار می‌گیرند. روان‌شناسان برای شناسایی روش‌های یادگیری فعال نشانه‌های زیر را بر شمرده‌اند:

۱. یادگیرنده را به طور فعال در فرایند یادگیری درگیر کند.
  ۲. محیطی پدید آورد که در آن، یادگیری شاگردمحور، جریان داشته باشد.
  ۳. تجارب یادگیری را به نحوی سازمان‌دهی کند که بر یادگیرنده در روشن‌سازی و بیان نیازها کمک کند.
  ۴. نقش استاد و وسایل کمک آموزشی را به عنوان تسهیل‌کننده یادگیری در نظر بگیرد.
  ۵. فرایند تدریس را به نحوی هدایت کند که به یادگیری کارآمد و فعال منتهی شود.
- این اصول کلی، نشان‌دهنده ویژگی‌های عمومی الگویی است که در روان‌شناسی آن را یادگیری فعال نامیده‌اند؛ الگویی که بر فهم فعالانه یادگیرنده تأکید می‌ورزد.<sup>۲۱</sup>
- در باره اثربخشی روش تدریس یادگیرنده فعال، روان‌شناسان مباحث گسترده‌ای را ارائه کرده‌اند. این یافته‌ها در مرور زمان به ساخت و پدیدآیی روش‌های جزیی‌تر در زمینه تدریس انجامیده و همواره برای تفسیر و نوآوری در سازمان‌ها و مراکز آموزشی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. بدون شک بهره‌گیری از روش یادگیری فعال در تدریس، می‌تواند تحولات مثبت و شگرفی را در این زمینه ایجاد کند.

در ادبیات روان‌شناسی، انواع راهبردهای مناسب برای تدریس ارائه شده و پژوهش‌هایی نیز اعتبار آنها را به اثبات رسانده است. از میان راهبردهای متعدد به دو راهبرد مهم که می‌تواند بیشترین تأثیر را در بهبود کیفیت آموزش داشته باشد اشاره می‌شود:

۱. راهبرد تدریس ساخت‌گرایی: راهبرد تدریس ساخت‌گرایی<sup>۲۲</sup> از راهبردهای جدید شمرده می‌شود که شهرت آن به سرعت در حال فزونی است. ساخت‌گرایی به دیدگاهی گفته می‌شود که بر نقش فعال یادگیرنده از درک و فهم و معنا بخشیدن به اطلاعات تأکید می‌کند، در روش ساخت‌گرایی، تدریس، بیشتر بر فرایندهای تفکر مبتنی است تا بر فراورده‌های آن.<sup>۲۳</sup> روش تدریس ساخت‌گرایی دارای چهار مرحله است:

۱. کاوش: منظور از کاوش در نظام ساخت‌گرایی جست‌وجوی راه‌هایی برای دانش‌سازی است.

۲. تشریح: در این مرحله، معلمان با فراگیران به تعامل می‌پردازند تا دیدگاه‌هایی را که عرضه می‌شود، دریابند.

۳. گسترش: منظور از گسترش این است که معلمان به فراگیران کمک می‌کنند تا به گسترش آموخته‌های خود بپردازند.

۴. ارزشیابی: در این مرحله لازم است یافته‌های روشی و آموخته‌های علمی دانش‌پژوهان مورد ارزیابی قرار گرفته و از میزان تسلط آنها آگاهی حاصل شود.<sup>۲۴</sup>

۲. راهبرد تدریس یادگیری تسلط‌یاب: هدف اساسی نظریه پردازان یادگیری تسلط‌یاب، سوق دادن فراگیران و دانش‌پژوهان به سویی است که در آن به سطح رضایت‌بخشی در یادگیری و مهارت دست یابند. روش تدریس یادگیری تسلط‌یاب بر این نکته تأکید می‌کند که برای همسان کردن بازده‌های یادگیری، باید به یادگیرندگان اجازه داد براساس زمان مورد نیاز، به یادگیری بپردازند، بنابراین نباید انتظار داشته باشیم که همه افراد به یک اندازه و در زمان مساوی یاد بگیرند؛ زیرا افراد از نظر توانایی‌های شناختی و حافظه متفاوت‌اند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که اگر به فراگیران فرصت یادگیری مورد نیاز آنان داده شود و کیفیت آموزش نیز متناسب با نیازها و توانایی‌های فردی آنان باشد، حدود ۹۵ درصد فراگیران از یادگیری مطالب درسی به حد تسلط خواهند رسید.<sup>۲۵</sup>

در چارچوب راهبرد یادگیری تسلط‌یاب عواملی که زمینه‌ساز تسهیل و بهبود یادگیری می‌شوند، عبارت‌اند از: تمرین‌های گام به گام، تمرینات مبتنی بر مثال‌هایی درباره مفاهیم و موضوعات جدید، بیان نکات توصیفی درباره درس، تلاش برای تسلط بر مفاهیم و پرهیز از بی‌حوصلگی و کم‌صبری.<sup>۲۶</sup> بنابراین، تسلط هم بر بازده مطلوب یادگیری و هم بر سطح قابل قبولی از عملکرد که حاکی از توفیق در یادگیری باشد، دلالت می‌کند.<sup>۲۷</sup>

### ج. آشنایی با اصول کلاسداری و تعامل با فراگیران

از دیگر کاربردهای بسیار مهم روان‌شناسی در بهبود کیفیت آموزشی، می‌توان به بررسی عوامل مؤثر در ترغیب فراگیران به یادگیری، تحقیق و پژوهش و شناخت زمینه‌های درون سیستمی مؤثر بر کارآمدی آموزش اشاره نمود. تقویت انگیزه، پرورش خلاقیت، راهبردهای استفاده از وسایل کمک آموزشی، توان برقراری نظم و انضباط در کلاس، و آشنایی با الگوهای کنش متقابل بین استاد و شاگرد، بدون آشنایی با اصول روان‌شناختی به ویژه روان‌شناسی یادگیری امکان‌پذیر نیست.

چنان‌که توجه و پذیرفتن اصل تفاوت‌های فردی و نقش پیش‌آمخته‌ها در شکل‌گیری یادگیری ما را بر آن می‌دارد که اولاً برای هر نوع آموزش، از یک سو به شناسایی پیش‌سازنده‌ها و فراهم کردن زمینه‌های لازم بپردازیم و از طرف دیگر مطالب و موضوعات آموزشی را با سلیقه‌ها و رغبت‌های فردی یادگیرنده‌ها هماهنگ و همسو کنیم. طبق نظر پیاز، تجارب آموزشی باید پیرامون ساخت شناختی یادگیرنده بنا نهاده شود.<sup>۲۸</sup> به نظر پیاز، توانایی جذب در افراد و گروه‌های سنی مختلف، متفاوت است؛ از این روی اجرای برنامه درسی مشترک و همسان برای فراگیران از فرهنگ‌های مختلف و با شرکت گروه‌های سنی متفاوت در یک درس، موجب کاهش عملکرد تدریس و یادگیری خواهد شد.

### د. آموزش راهبردهای یادگیری و یادسپاری

مسئله یادگیری از مهم‌ترین، اساسی‌ترین و ارزشمندترین مباحث روان‌شناسی است. روان‌شناسان پس از سال‌ها بررسی ماهیت یادگیری، موفق به درک جریان یادگیری و تجزیه و تحلیل سطوح و مراحل مختلف آن شده‌اند؛ به طوری که تاکنون نظریه‌های متعددی دربارهٔ اساس یادگیری از سوی برخی از روان‌شناسان ارائه شده است. آشنایی با اصول و قوانین یادگیری و یادسپاری در آموزش آموزه‌های دینی، ارزش‌های اخلاقی و کسب معارف اسلامی، شرط اساسی موفقیت دانش‌پژوهان به شمار می‌رود.

ادبیات مربوط به نظریه گشتالت، الگوی سه مرحله‌ای حافظه، مفهوم هوش، خلاقیت و آموزش برنامه‌ای در فرایند یادگیری، بسیار غنی است. با توجه به اصول و یافته‌های روان‌شناسی و قوانین یادگیری می‌توان به عواملی اشاره کرد که با ملحوظ داشتن آنها جریان یادگیری به نحو مؤثر و شایسته‌تری صورت می‌پذیرد، داشتن اینکه «حافظه چیست؟ و چرا

انسان بسیاری از موضوعات و مطالبی را که به خاطر می‌سپارد، فراموش می‌کند؟» از دیگر کاربردهای روان‌شناسی در خدمت به نظام آموزش محسوب می‌شود.<sup>۲۹</sup>

#### ه. بهینه‌سازی محیط فیزیکی و روانی کلاس

در پژوهش‌های روان‌شناختی، شواهد تأیید کننده بسیاری در مورد تأثیر محیط‌های فیزیکی و روانی تدریس و یادگیری بر پیشرفت یادگیری و ارتقاء دانش‌اندوزی وجود دارد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تعداد بیش از حد فراگیران در کلاس، موجب کاهش کیفیت آموزش می‌شود.<sup>۳۰</sup> همچنین تأثیر مستقیم محیط روانی بر یادگیری نیز از پشتوانه حمایتی و تأییدات تجربی بسیاری برخوردار است.<sup>۳۱</sup>

بی‌گمان توجه و بهره‌گیری از این یافته موجب افزایش کارآمدی الگوی آموزشی و ارتقای سطح کیفیت یادگیری خواهد شد.

#### و. ارزشیابی آموزشی

ارزشیابی در معنای عام، به داوری در مورد ارزش چیزها گفته می‌شود. در روان‌شناسی، ارزشیابی عبارت است از سنجش عملکرد یادگیرندگان و مقایسه نتایج حاصل با هدف‌های آموزشی از پیش تعیین شده، به منظور تصمیم‌گیری در این باره که آیا فعالیت‌های آموزشی معلم و مربی و کوشش‌های یادگیری یادگیرندگان و فراگیران به بازده مطلوب انجامیده است یا نه.<sup>۳۲</sup>

بی‌تردید رسیدن به سطح مطلوب در آموزش و یادگیری، مستلزم دور شدن از روش‌های سنتی و قدیمی نظیر تأکید بر ارزشیابی پایانی و عدم توجه به فرایند یادگیری بوده، نیازمند آشنایی با کاربرست شیوه‌های نوین در امر ارزشیابی است.

در روان‌شناسی به ارزشیابی آموزشی به عنوان رویکرد مؤثر در بهبود آموزش توجه شده است.<sup>۳۳</sup> بنابراین، ارتقای کیفیت آموزش در صورتی امکان‌پذیر است که برنامه و ماده درسی در قالب نظام پویای آموزش به طور مدام مورد ارزشیابی قرار گرفته و با استفاده از اصول روان‌شناسی، به ویژه روان‌شناسی یادگیری، زمینه‌های ارتقای کیفی برنامه و ماده درسی به صورت تدریجی فراهم آید.

درباره کیفیت ارزشیابی، نحوه طرح سؤال و شیوه برگزاری امتحان، روان‌شناسان مباحث گسترده‌ای را ارائه کرده‌اند که آگاهی و بهره‌گیری از آنها می‌تواند منشأ برکات خوبی باشد.

## نتیجه سخن

بی‌گمان نیروی انسانی از اثربخش‌ترین منابع بی‌بدیل یک سازمان محسوب می‌شود. حفظ و نگهداری منابع انسانی کارآمد بستگی به بذل توجه کافی به امر آموزش و پرورش آنان دارد: ارتقای کیفیت آموزش به دانش تخصصی در زمینه طراحی برنامه درسی، شناخت ماهیت یادگیری، آشنایی با سطح تحولات شناختی و روان‌شناختی فراگیران، آشنایی با روش‌های گوناگون یادگیری و استفاده مناسب از امکانات آموزشی دارد که روان‌شناسی می‌تواند در برآورده شدن هدف‌های یاد شده نقش عمده‌ای ایفا کند.

امید می‌رود در پرتو توجه کافی به فن‌آوری‌های علمی در این عرصه، شاهد پویایی روزافزون نظام آموزش در سپاه باشیم.

### پی‌نوشتها:

۱. بازرگان، زهرا، «رویکردهای نوین در مدیریت آموزشی»، مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی، ۱۳۸۲، شماره ۲، ص ۱۱۶.
  ۲. محسنیان، مهدی، ارتباط‌شناسی، سروش، تهران، ۱۳۸۰، ص ۴۳.
  ۳. کول، کریس، کلید طلایی ارتباط، محمدرضا آل یاسین، هامون، بی‌جا، ۱۳۷۹، ص ۱۲۴.
  ۴. بشیری، ابوالقاسم، مشاوره الگویی برتر در آموزش دینی، معرفت، ص ۴۳.
5. Empathy.
  6. unconditional positive regard.
  7. genuiness.
  8. active litening.
  ۹. برای مطالعه تفصیلی در این باره: ر.ک: کوثری، یدالله، الگوی یاری‌بخش در رفتار ارتباطی، مربیان، شماره‌های ۱۰-۹.
  ۹. هافمن، کارل، روان‌شناسی عمومی از نظریه تا کاربرد، ترجمه هادی بحیرایی و همکاران، ارسباران، تهران، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۲۸.
  ۱۰. ر.ک: شاملی، عباسعلی، پیش‌نیازهای تربیتی ارتباط با متربی از نگاه امیرالمؤمنین علی(ع)، معرفت، سال یازدهم، شماره ۵۷، ص ۲۳.
  ۱۱. فرجاد، محمدرضا، اصول برنامه‌ریزی آموزشی و درسی، الهام، تهران، ۱۳۷۴، ص ۱۶.
  ۱۲. کرامتی، محمدرضا، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی استراتژیک در آموزش و پرورش، آستان قدس، مشهد، ۱۳۷۴، ص ۲۳.

13. Development of cognitive process.

14. phrenology.

15. mental muscles.

۱۶. اندرسون، لورین، افزایش کارایی علم، ترجمه: علی رثوف و منیژه رضایی، نشر آینه، تهران، ۱۳۸۱، ص ۶۳.

17. Giulford.

۱۸. قورچیان، نادرقلی و همکاران، نظریه‌های یادگیری و نظریه فراشناخت در فرایند یاددهی - یادگیری، انتشارات تربیت، ۱۳۷۳، ص ۷۷.
۱۹. ملکی، حسن، برنامه‌دستی و پرورش تفکر، انجمن اولیاء و مربیان، تهران، ۱۳۸۰، ص ۱۴۷-۱۵۹.
۲۰. ر.ک: کوثری، یدالله، راهبردهای یادگیری پایداری، مربیان، ۱۰-۹، و نیز ر.ک: کرکی، پریان. جی، یادگیری فعال، ترجمه: فروغ تن‌ساز، انتشارات مدرسه، تهران، ۱۳۷۸.
۲۱. فتحی، کوروش، چگونه برنامه‌های درسی فعال طراحی کنیم، مجله رشد تکنولوژی آموزشی، سال ۱۳۷۴، شماره ۴، ص ۹-۱۰.

## 22. constructivism.

۲۳. بلوم، بی، اس و همکاران، طبقه‌بندی هدف‌های پرورش، ترجمه علی‌اکبر سیف و خدیجه علی‌آبادی، رشد، تهران، ۱۳۶۸، و نیز: گانیه، آر. ام، شرایط یادگیری و نظریه آموزشی، ترجمه: نجفی زند، تهران، ۱۳۷۳.
۲۴. ر.ک: کوپر، پ، «تغییرات دوش طراحی آموزش از رفتارگرایی تا شناخت‌گرایی و از شناخت‌گرایی تا ساخت‌گرایی»، ترجمه محرم آقازاده، مجله تکنولوژی آموزشی، سال ۱۳۷۴، شماره ۴.
۲۵. احدیان، محمّد و آقازاده، محرم، راهنمایی روش‌های نوین تدریس، نشر آیین، تهران، ۱۳۷۸، ص ۲۰۰.
۲۶. همان، ص ۲۰۱.
۲۷. سیف، علی‌اکبر، روان‌شناسی پرورشی، نشر آگاه، تهران، ۱۳۶۸، ص ۵۶۱.
۲۸. هرگف‌ها، بی‌آر؛ آلسون، میتواج، مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری، ترجمه: علی‌اکبر سیف، نشر دوران، تهران ۱۳۷۶، ص ۵۰۶.
۲۹. ر.ک: کوثری، یدالله، راهبردهای یادگیری پایدار، فصلنامه مربیان، شماره ۱۰-۹.
۳۰. اندرسون، پیشین، ص ۳۰-۳۲.
۳۱. همان.
۳۲. سیف، پیشین، ص ۶۰۶.
۳۳. مقدم، بدری، کاربرد روان‌شناسی در آموزشگاه، سروش، تهران، ۱۳۷۴، ص ۱۰۷.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی